

بررسی اشعار آیینی موسوی گرمارودی بر پایه شاخص‌های ادب غنایی

رضا صادقی شهپر^۱، حجت‌الله غ منیری^۲، شب‌نم کریم‌شاهی ملایری^۳

چکیده

شعر آیینی به دلیل غلبه احساسات و اعتقادات قلبی شاعر، یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادب غنایی است. موسوی گرمارودی از شاعران آیینی معاصر است که سیمای معصومین^۴ و وقایع زندگی ایشان را با زبانی غنایی و هنری در شعرش توصیف کرده و از آن متأثر شده است. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و با هدف تبیین شاخص‌های غنایی اشعار آیینی علی موسوی گرمارودی صورت گرفته و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که: شاخص‌های ادب غنایی در شعر آیینی گرمارودی، در دو حوزه محتوایی و صوری کدامند و چگونه بازتاب یافته‌اند؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های محتوایی به صورت مرثیه، مولودی، وصف سیما و حالات امامان، شکوه و شکایت، مناجات، مدح و ثنا بازتاب یافته است. در بُعد صوری و زبانی هم استفاده از جمله‌های پرسشی و تعجیبی با اغراض خاص، اوزان جویباری و سنگین، تشبیه، استعاره، موسیقی کلام و واژگان و تعبیرات لطیف و غنایی، مهم‌ترین شاخص‌های غنایی اشعار گرمارودی هستند.

واژه‌های کلیدی: موسوی گرمارودی، شعر آیینی، ادب غنایی، محتوایی و صوری.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. (نویسنده مسئول) r.s.shahpar@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، همدان. hojatolah.ghmoniri@iau.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. shabnam.karimshahi@gmail.com

۱. مقدمه

شعر آیینی یکی از گونه‌های ادب غنایی است که عواطف اعتقادی و احساسات و اندیشه‌های دینی و مذهبی شاعر در آن غلبه دارد و با زبانی هنری، شاعرانه و غنایی بیان می‌شود. ادب غنایی دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و مضامین و موضوعات مختلف و متعددی را شامل می‌شود. از اشعار عاشقانه که بگذریم، شعرهای عرفانی، مدیحه، مرثیه، شکوائیه، حبسیه، فراق‌نامه، ساقی‌نامه و بسیاری دیگر، محتوای شعر غنایی را تشکیل می‌دهند. بدین‌گونه، اشعار دینی و مذهبی، مدح‌ها و مرثیه‌های مذهبی و مواردی از این دست که تحت عنوان «شعر آیینی» می‌آید نیز جزء ادبیات غنایی است.

شعر آیینی عنوانی است که در دهه‌های اخیر بر زبان شاعران و پژوهشگران جاری شده است؛ همان شعر فراخیال دینی که بسیاری از موضوعات و مفاهیم دینی، محور سرایش آن است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸). ویژگی اصلی این‌گونه اشعار، غلبه عواطف و احساسات بدیع و لطیف شاعرانه در بیان مضامین و موضوعات آیینی و دینی است که آن‌ها را به یکی از برجسته‌ترین گونه‌های ادب غنایی تبدیل می‌کند. با توجه به اینکه شعر آیینی جزء ادب غنایی است، در این مقاله درصدد مشخص کردن و تبیین شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی علی‌موسوی گرمارودی هستیم. این ویژگی‌ها و شاخصه‌ها بنا بر یک تقسیم‌بندی، شامل ویژگی‌های محتوایی و صورتی (شکلی) هستند. ویژگی‌ها و شاخص‌های محتوایی عبارتند از: احساسی و عاطفی بودن، عاشقانه و عارفانه بودن، داشتن دید منفی به روزگار، فضای غم‌آلود داشتن، توصیفی بودن، توجه کردن به خصوصیات اخلاقی انسان و درون‌گرایی. شاخص‌های صورتی هم از این قرارند: لطافت و نرمی زبان و بیان، تراحم تصویر و صورخیال، به‌کارگیری کلمات و ترکیبات و تعبیرات و تصاویر لطیف و نرم، غنای

موسیقایی کلام، بهره‌گیری زیاد از استعاره و تشبیه، بالابودن بسامد مصوت‌های بلند و کشیده، استفاده از عناصر انتزاعی، گروه‌های اسمی، جملات سؤالی بدون درخواست جواب (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۱-۱. بیان مسئله پژوهش

گرایش شاعران در صد سال اخیر به سرودن شعر آیینی به مراتب بیشتر شده است. به‌گونه‌ای که بسیاری از شاعران معاصر، شیوه اصلی شعری‌شان، آیینی است و برخی هم در کنار سایر اشعار، بیش‌وکم دیوان خود را به این گونه از شعر مزین کرده‌اند. علی موسوی گرمارودی از شاعرانی است که به دلیل علائق دینی و مذهبی، چند مجموعه شعر آیینی درباره پیامبر و امامان شیعه دارد. گستره این پژوهش، اشعار آیینی منتشرشده از موسوی گرمارودی در کتاب گوشواره عرش و مجموعه کامل اشعار آیینی است. این پژوهش، اشعار آیینی گرمارودی را از منظر شاخص‌های ادب غنایی در دو حوزه محتوایی و صورتی، بررسی کرده و نشان داده است که این اشعار در هر دو حوزه مطرح‌شده دارای غنا و برجستگی‌اند.

۱-۲. ضرورت، هدف و پرسش پژوهش

این پژوهش می‌تواند زمینه و فضای تازه‌ای برای محققان آشکار کند و در فراهم‌ساختن زمینه بهتر خلق و نشر سروده‌های آیینی شاعران و توجه به منظر مورد مطالعه در این پژوهش، یعنی شاخص‌های ادب غنایی، نقش داشته و مفید باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های غنایی در اشعار آیینی موسوی گرمارودی به شیوه توصیفی تحلیلی است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه شاخصه‌های ادب غنایی در شعر آیینی گرمارودی، در دو حوزه محتوایی و صورتی کدامند و چگونه بازتاب یافته‌اند؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

درباره اشعار علی موسوی گرمارودی پژوهش‌های متعددی انجام شده است و برخی از آن‌ها از این قرارند:

۱) رزمجویی (۱۳۹۲) شعر عاشورایی موسوی گرمارودی را تحلیل و بررسی کرده و نشان داده است که شاعر بر شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی همت گماشته و نگاهی فلسفی به حادثه عاشورا دارد؛ ۲) سلیمانی‌نژاد مهرآبادی و سیف (۱۳۹۵) گونه‌های مختلف اسطوره را در شعر موسوی گرمارودی بررسی و تحلیل کردند و نشان دادند که گرمارودی برای تبیین و برجسته‌کردن مفاهیم معاصر، از اسطوره‌ها به ویژه اساطیر ملی و مذهبی استفاده کرده است؛ ۳) کوهسار و باطنی (۱۳۹۵) مضامین حبسیه را در شعر موسوی گرمارودی بررسی کرده و نشان داده‌اند که زندان در شکل‌گیری مضامین، دیدگاه‌های سیاسی، طرز نگاه شاعر به زندگی، تعهد به انقلاب و... تأثیرگذار بوده است؛ ۴) حیدری و مشفق (۱۳۹۰) باستان‌گرایی در شعر موسوی گرمارودی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که شاعر در بسیاری از اشعارش از زبان و واژگان کهن برای بیان اندیشه‌ها و مضامین تازه بهره برده است؛ ۵) بهمنی مطلق و همکاران (۱۳۹۱) روش قصیده‌پردازی موسوی گرمارودی را بررسی و تحلیل کردند و نشان دادند که شاعر کاملاً با قالب قصیده آشنا بوده و در سرایش قصاید خود از انواع شگردهای بیانی، ایهام و جناس استفاده کرده است؛ ۶) کمالی‌نهاد (۱۳۹۹) در پژوهشی فضا‌سازی شاعرانه را در اشعار موسوی گرمارودی بررسی کرده و نشان داده که مهم‌ترین دلیل پویایی، طراوت و اثرگذاری اشعار گرمارودی، فضا‌سازی گوناگون و متنوع است؛ ۷) دهرامی و کمالی‌نهاد (۱۳۹۴) شیوه‌ها و موانع انتقال احساس شاعرانه را در شعر موسوی گرمارودی تحلیل کردند و نشان دادند که شاعر با بهره‌گیری از شگردهای بلاغی، موفق به انتقال حس شاعرانه شده است؛ ۸) کمالی‌نهاد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی اخوانیات موسوی

گرمارودی را از منظر فضاسازی شعری بررسی و تحلیل کردند و نشان دادند که مدح و ستایش مهم‌ترین موضوع و عامل انسجام اخوانیات گرمارودی است.

با وجود پژوهش‌های متعدد، تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی موسوی گرمارودی انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر، از تازگی، ضرورت و اهمیت برخوردار است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

ادب غنایی، یکی از گونه‌های مهم ادبیات جهان است. واژه غنایی اصطلاحی عام و فراگیر است که اشکال گوناگونی از شعر در آن جای می‌گیرد. به گفته هگل، شعر غنایی عبارت از بیان ذهنیت و فردیت است. در بسیاری از تعاریف، بر وجود فردیت، ذهنیت و درون‌گرایی شعر غنایی تأکید شده است. در شعر غنایی، شاعر احساسات فردی پرشور و نیرومند خود را به‌گونه‌ای صمیمی و اصیل آشکار می‌کند (بروستر، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۳).

«شعر غنایی سخن‌گفتن از احساس شخصی است. به شرط اینکه از دو کلمه "احساس" و "شخصی" وسیع‌ترین مفاهیم آن‌ها را در نظر بگیریم؛ یعنی تمام انواع احساسات، از نرم‌ترین احساسات تا درشت‌ترین آن‌ها با همه واقعیاتی که وجود دارد. احساس شخصی بدان معنی که خواه از روح شاعر مایه گرفته باشد و خواه از احساس او، به اعتبار اینکه شاعر فردی است از اجتماع، روح او نیز در برابر بسیاری از مسائل با تمام جامعه اشتراک موضع دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۲).

این‌گونه ادبی، در یونان باستان به اشعاری کوتاه گفته می‌شد که با همراهی سازی

به نام «لیر» خوانده می‌شد. از این رو، در زبان‌های فرنگی به اشعار غنایی، لیریک (lyric) می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۱۹). از طرف دیگر، باید توجه داشت که غنا در لغت به معنی سرود، نغمه و آواز خوش طرب‌انگیز است. شعر غنایی هم به شعری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد و دربرگیرنده عشق و دوستی و رنج‌ها و نامرادی‌ها و هرچه روح آدمی را متأثر می‌کند (رزمجو، ۱۳۷۰: ۸۳).

«در شعر فارسی، وسیع‌ترین افق معنوی، افق شعرهای غنایی است. موضوعی که در ادب فارسی حوزه شعر غنایی را تشکیل می‌دهد، تقریباً تمام موضوعات رایج است، به جز شعر حماسی و شعر تعلیمی. حتی داستان‌های منظوم ادب پارسی، همه در مقوله شعر غنایی قرار می‌گیرند و در یک نگاه اجمالی، شعرهای عاشقانه، فلسفی، عرفانی، مذهبی، هجو، مدح و وصف طبیعت همگی مصادیق شعر غنایی هستند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۳).

شعر آیینی که سرشار از عواطف و احساسات شاعر و اظهار عشق و دوستی به امامان و اهل بیت^(ع) است، در زمره شعر غنایی قرار می‌گیرد. شعر آیینی و دینی «به‌گونه‌ای از ادبیات متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنوی و محتوایی صبغه دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد» (اکرمی و خاکپور، ۱۳۹۰: ۳۸) و در آیین‌ها و محافل دینی مانند ولادت‌ها، شهادت‌ها، وفات و روزها و مناسبت‌های برجسته مذهبی مانند غدیر، بعثت، عرفه و در توصیفی دقیق‌تر، در مجالس سوگ و سوگ مذهبی به کار می‌رود (سنگری، ۱۳۹۵: ۱۶). شعر آیینی به اشعاری گفته می‌شود که به نوعی با زندگی پیامبر^(ص) و سیره امامان و معصومین مرتبط است و جنبه دینی و مذهبی دارد و خود به بخش‌های مختلفی چون مناجات، شعر ولایی، شعر رضوی، مولودیه، مرثیه و ... تقسیم می‌شود.

سید علی موسوی گرمارودی از جمله شاعران معاصر است که به سرودن اشعار آیینی شهرت دارد. گرمارودی در فروردین ۱۳۲۰ در قم به دنیا آمد. پدرش از بزرگان و

روحانیان گرمارود الموت بود. وی آموزش‌های مقدماتی را نزد پدرش، سید محمدعلی و مدتی نیز در مشهد و قم علوم دینی آموخت. در رشته حقوق لیسانس گرفت و سپس کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران خواند. او در همه قالب‌های شعری از قدیم‌ترین تا جدیدترین آن‌ها یعنی از قصیده تا شعر سپید طبع‌آزمایی کرده است و اشعارش رنگ و بوی انقلابی و آیینی دارند (بیات کوهسار و باطنی، ۱۳۹۵: ۱۱۲ و ۱۱۳). مهم‌ترین آثار شعری او عبارتند از: عبور، در سایه‌سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، در فصل مردن سرخ، خط خون، باران اخم، ما کجا آن خوب آن زیبا کجا، دستچین، تا ناکجا (پروین زاده، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۴). او ارادت خاص خود را به مولای متقیان، امام حسین^(ع) و دیگر ائمه معصومین^(ع) در مجموعه در سایه‌سار نخل ولایت نشان داده است.

ویژگی‌ها و شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی در اشعار آیینی موسوی گرمارودی، موضوع پژوهش حاضر است. شاخص‌های محتوایی شامل مولودیه، مرثیه، فضای غم‌آلود اشعار، گله از جفاها در حق اهل بیت^(ع) و... می‌شود و شاخص‌های صوری و زبانی هم مباحثی چون استفاده از اوزان نرم و کشیده، واج‌آرایی، جملات پرسشی و تعجبی، تشبیه، استعاره، کنایه و واژه‌ها و ترکیبات غنایی را دربر می‌گیرد. در ادامه به بررسی و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۲. شاخص‌های محتوایی

محتوای اشعار غنایی در ادبیات فارسی با اروپا تا حدودی متفاوت است. به‌گونه‌ای که در اروپا اشعاری با محتوای «مرثیه یا سوگ‌نامه، عروسی‌نامه، ترانه، چکامه، چهارپاره پیوسته» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۰: ۲۲) جزء ادب غنایی محسوب می‌شوند؛ درحالی‌که در ادبیات فارسی اشعاری با محتوای «مدح، هجو، عرفان، فخرنامه، سوگندنامه، شکایت، نگرانی، خمربیه، حبسیه، اخوانیات، اشعار سرگرم‌کننده و تفننی (لغز، معما،

ماده تاریخ و چیستان)، مناظره، مفاخره، وصف طبیعت، وصف شهرها، وصف اطلال و دمن، وصف اسب و شتر و ... غنایی اند» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۶۶). بسیاری از این مضامین و موضوعات در اشعار آیینی بازتاب دارند و اشعار آیینی گرمارودی نیز علاوه بر مضامین اصلی که ستایش خداوند و مدح و رثای معصومین است، محتوای غنایی دیگری نیز دارد که برجسته‌ترین آن‌ها عبارتند از فضای غم‌آلود، شکوه و شکایت، دید منفی به روزگار، وصفی بودن و ...

۱-۲-۲. مناجات نامه (راز و نیاز با خداوند)

حمد و ستایش خداوند و ابراز بندگی، آغازبخش اکثر متون ادب فارسی است. به این صورت که «با حمد و ستایش الهی آغاز می‌گردند و پس از آن، نیاز بندگان و در پایان، خواهش‌های روحانی و عرفانی مطرح می‌شود» (رشیدی گمین و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۹). موسوی گرمارودی نُه قطعه شعر در حمد و ستایش معبود دارد که علاوه بر ستایش خداوند و مناجات، از بندگی و عبودیت خود، خواهش‌های مادی و معنوی، مناجات و ... سخن گفته است. چنان‌که شاعر ضمن ستایش قدرت پروردگار، عجز و بندگی خود را نشان داده است:

ای نهاده به دست بسته چرخ

چون به پای زمانه صد پابند

در زبان خموش گیتی و دهر

بخردان را نهاده صدها پند

ای تو سرواژه کلام وجود

وز پی تو دگر همه پسوند

وی پسندیده در همه خود را

در من ذره هم جز این میسند

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۶۳)

گرمارودی در شعر «سخنی در عشق»، در قالب مناجات، ضمن ستایش خداوند و آثار صنع او، ابراز بندگی کرده و درخواست رهایی از نفس و منیت دارد:

الهی، جان من توحیدگر کن

مرا زین شرک «من» زیر و زیر کن

بخیزانم چو موج و رفعت اوج

بغلتنم به شادی، موج در موج

مخواهم ایستا، مرداب‌واره

چو درماندم به راه آور دوباره

دلَم از عشق خود آینه‌گون کن

تب عشق و جنونم را فزون کن

(همان: ۶۷)

۲-۲-۲. مرثیه‌سرایی

مرثیه و مرثیه‌سرایی از مضامین مهم در ادب غنایی است؛

«مرثیه شعری است که درباره‌ی آلام و مصائب فردی یا جمعی سروده شود. رثا ریشه در غم و اندوه دارد و اشعاری است که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و صدور و اعیان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین و ائمه اطهار، مخصوصاً حضرت سیدالشهدا^(ع) و شمردن مناقب و فضایل و مکارم و تجلیل مقام و منزلت شخص متوفی و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل، سروده شده است» (مؤتمن، ۱۳۹۴: ۲۷).

مرثیه‌سرایی به‌ویژه مرثیه در رثای ائمه اطهار، از مضامین پر بسامد اشعار آیینی موسوی گرمارودی است، چنان‌که در مرثیه امام علی^(ع) و واقعه کربلا سنگ تمام

گذاشته است. وی در ترکیب بندی عاشورایی با نام «آغاز روشنایی آینه» در پانزده بند، دربارهٔ حوادث کربلا مرثیه سرایی کرده است:

می‌گیرم از غمی که فزون‌تر ز عالم است
 گر نعره برکشم ز گلوی فلک، کم است
 پندارم آنکه پشت فلک نیز خم شود
 زین غم که پشت عاطفه زان تا ابد خم است
 یک نیزه از فراز حقیقت فراتر است
 آن سر که در تلاوت آیات محکم است

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

گرمارودی در شعر دیگر، ضمن ستایش عظمت و بزرگی حضرت علی^(ع)، اشعاری در رثای آن حضرت سروده و عشق و علاقهٔ خود را ابراز کرده است:

دلم از انفجار عشق خون است
 علی جان مهتر از ظرفم فزون است
 دلم از چاه کمتر نیست، گاهی
 نواز این قعر ژرفا را به آهی

(همان: ۱۳۵)

۲-۲-۳. جشن‌های مذهبی

بزرگ‌داشت و یادآوری رویدادهای مختلف چون تولد پیشوایان، اعیاد و روزهای خاص دیگر، در همهٔ مذاهب و دین‌ها جشن گرفته می‌شود (روح‌الامینی، ۱۳۷۸: ۱۵). موسوی گرمارودی در اشعار آیینی خود به برخی از این مناسبت‌ها پرداخته است

و اشعار مولودی و شادی در وصف آن‌ها سروده که شعر «میلاذ آفتاب» درباره تولد حضرت امام علی^(ع) است:

آثار شعف از چه زهر سوی عیان است
 وندر طرب از بهر چه ذرات جهان است
 نی بر لب مطرف ز چه دائم به فغان است
 دهر کهن از بهر چه خندان و جوان است
 گویا که دگر بار ز راه آمده آذر...

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۵۰ و ۱۵۱)

۲-۲-۴. فضای غم‌آلود

غلبه حس غم بر شادی از مؤلفه‌های محتوایی مهم در اکثر آثار ادب غنایی فارسی بوده (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۲۵) که در اشعار آیینی موسوی گرمارودی فضایی غمگینانه پدید آورده است. برای نمونه، شاعر فضای غمگین سخن گفتن حضرت علی^(ع) را با چاه در شعر خود آورده است:

تنها سر چاه می‌روم گاه به گاه
 سر می‌نهم اندوهگنان بر سر چاه
 می‌گیریم و با یاد غمت می‌گویم:
 لا حول و لا قوه الا بالله

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

شاعر فضای غمگین و دردناک کربلا را هنگام شهادت حضرت ابوالفضل^(ع) توصیف

کرده که واژه‌ها، تشبیهات و استعاره‌ها بیانگر حس غم و فضایی غمگین است:

کنار علقمه در خاک و آفتاب عطش // میان سلسله نخل‌های تاریخی // درون بستر
شن، کاشت بازوانش را // و دست‌هایش // - که دست‌های زمین بود - // بار آسمان داد
... (همان: ۲۱۶)

موسوی گرمارودی ترکیب‌بند «از گلوی غمگین فرات» را در رثای امام حسین^(ع) و
واقعه کربلا سروده و فضای غمگین و دردناک دشت کربلا و حوادث تاسوعا و عاشورا
را با واژگان و تعبیرات غنایی غمناک تبیین کرده است:

می‌گیریم از غمی که فزون‌تر ز عالم است
گر نعره بر کشم ز گلوی فلک کم است
پندارم آنکه پشت فلک نیز خم شود
زین غم که پشت عاطفه‌زان تا بدخم است

(همان: ۱۹۱)

۲-۲-۵. دید منفی نسبت به روزگار

جهان، طبیعت و روزگار در آثار غنایی ادبیات فارسی، معمولاً جایگاهی منفی دارند. چنان‌که دنیا با صفاتی چون بی‌وفایی، ناپایداری، پلیدی و غم‌آفرینی توصیف شده است (پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۹). این ویژگی ادب غنایی، در آثار آیینی نیز به دلیل غلبه فضای غمگینانه و یأس و ناامیدی بازتاب دارد. موسوی گرمارودی بارها با ناامیدی از حوادث و اتفاقاتی که زمانه و روزگار رقم زدند، شکوه و شکایت کرده و دیدی منفی نسبت به آن دارد. چنان‌که حوادث زندگی حضرت علی^(ع) را روایت کرده، از بازی روزگار نالیده و از زمانه شکوه و شکایت کرده است:

بشکست ز آب دیدگانت تب چاه

صدهاله غم گرفت گرد رخ ماه

از بازی روزگار باید نالید

الله از این زمانه الله الله

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

گرمارودی در جایی دیگر، وقتی زندگی حضرت علی^(ع) و فشارها و رنج‌های وی را توصیف نمود، از زمانه و روزگار شکایت و آن‌ها را لعن و نفرین کرده است:

سیه بادا ستم را روی ناپاک

زمان را، روزگاران را به سر خاک

زمان! خاکت به سر بادا شب و روز

تو بودی و علی را دل پر از سوز

(همان: ۱۳۳)

۲-۲-۶. رویکرد توصیفی

بشر از دیرباز به صورت فطری و غریزی، علاقه‌مند به توصیف عناصر و زیبایی‌های جهان وجود و شرح وقایع و مناظر دلکش یا سهمگین بوده است (صورتگر، ۱۳۴۷: ۳). این ویژگی به شعر نیز سرایت کرده و از مضامین اصلی در شعر، به‌ویژه در شعر غنایی، وصف شده است (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۹). وصف در اکثر اشعار آیینی موسوی گرمارودی بسامد دارد. توصیف‌های گرمارودی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: توصیف بهار در آغاز اشعار آیینی و توصیف شخصیت معصومین در میانه سروده‌های آیینی. چنان‌که شاعر بهار را در آغاز شعر بزرگ داشت میلاد خجسته امام حسن عسگری^(ع) توصیف

کرده و این توصیف با بهره‌گیری از استعارات و تشبیهات لطیف و زیبا برای مخاطب تصویرنگاری شده است، از جمله، دو چشم گل استعاره تشخیص؛ آهوی خواب اضافه تشبیهی؛ خیمه زدن چمن بر دمن استعاره؛ خون به چهر لاله و گل افتادن استعاره از قرمز شدن و ...:

درخشید بار دگر آفتاب

رمید از دو چشم گل، آهوی خواب

چمن بر دمن خیمه زد سبزگون

به چهر گل و لاله افتاد خون

به دامان کهسار از خاک و سنگ

بروید صد بوته رنگ‌رنگ

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۷۹)

موسوی گرمارودی علاوه بر توصیف طبیعت، نوع دیگری از توصیف را در اشعار آیینی خود آورده که در خدمت ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) است؛ توصیفی که سرشار از استعارات و تشبیهات لطیف و زیبای پی‌درپی است. چنان‌که شاعر ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی امام علی(ع) را با تشبیهات و استعارات غنایی زیبا وصف کرده است:

شب، از چشم تو آرامش را به وام دارد// و طوفان، از خشم تو، خروش را// کلام تو گیاه را بارور می‌کند// و از نفست گل می‌روید// چاه،// از آن زمان که تو در آن گریستی،// جوشان است// سحر از سپیده چشمان تو می‌شکوفد// و شب در سیاهی آن به نماز می‌ایستد// هیچ ستاره نیست که وام‌دار نگاه تو نیست// لبخند تو اجازه زندگی است// هیچ شکوفه نیست که از تبار گلخند تو نیست (همان: ۱۲۳ و ۱۲۴)

زیباترین و ناب‌ترین توصیف‌های گرمارودی در شعر «خورشید پنهان» است که لحظه تولد حضرت مهدی (عج) را با زیباترین و لطیف‌ترین واژگان و تعبیرات غنایی وصف کرده و صنایع بیانی، به‌ویژه تشبیه و استعاره در این بیت‌ها آمده است:

اینک خور از ره آمد و در دشت خاوران
 ز زین سپاه پرتو خود بر پراکنید
 تا چشم زخم کس نرساند بد و زیان
 هر جا خور، این عروس دل افروز، می‌چمید
 ابر سیاه دود ز اسپند می‌گرفت
 وز پیش پیش در ره او تند می‌دوید...

(همان: ۲۸۶ و ۲۸۷)

۲-۳. شاخص‌های صوری و زبانی

ادب غنایی شاخص‌های صوری متفاوتی با ادب حماسی و تعلیمی دارد و نیز در آن با کارکردهای متفاوتی از زبان روبه‌رو هستیم. چنان‌که «الفاظ چه از لحاظ آوایی و چه معنایی در پیوند با یکدیگر قرار دارند و آهنگ آن‌ها در القای حس مورد نظر شاعر نسبت به سایر اشعار، نقش بیشتری دارد. جملات از لحاظ صرفی و نحوی نسبت به حماسه روان‌تر و به‌هنجارترند و زبان به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را با موسیقی و آواز قرین ساخت. کلمات، عناصر، ترکیبات، تعبیرات و تصاویر، نرم و لطیف و متناسب با فضای غنایی هستند» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۲۰۰). اشعار آیینی موسوی گرمارودی از نظر شاخص‌های صوری ادب غنایی بسیار غنی‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت این شاخص‌ها از برجستگی‌های شعر او محسوب می‌شوند.

۲-۳-۱. اوزان نرم و کشیده

شاعران در شعر غنایی بیشتر از اوزان کشیده و نرم که متناسب با فضای غنایی شعر - بزم یا غم - است، استفاده می‌کنند (همان: ۱۹۹). گرمارودی نیز در شعر آیینی از این قاعده پیروی کرده است. وی معمولاً از اوزان آرام، روان و سنگین بهره برده؛ به گونه‌ای که سیزده بار از اوزان بحر رمل، نه بار از اوزان بحر هزج و نه بار از اوزان بحر مضارع استفاده کرده است و همه آن‌ها از اوزان سنگین، روان و جویباری به ویژه در حالت دوری و مثنی هستند. اشعار نیمایی و آزاد وی نیز اکثراً اشعاری سنگین و ملایم هستند؛ زیرا شاعر بیشتر از هجاهای بلند و مصراع‌های طولانی در این گونه غنایی استفاده کرده و فضای شعر را سنگین و غمگین کرده است. شاعر پنج بار از اوزان بحر مجتث که وزنی است مناسب درد دل و گفت‌وگو، استفاده کرده است؛ اما دیگر اوزان در شعر آیینی گرمارودی بسامد پایینی دارند.

۲-۳-۲. تشبیهات غنایی

کارکرد، نوع و بسامد تشبیه در بسیاری جهات، وابسته به نوع ادبی است. چنان‌که هرچه از متون حماسی فاصله گرفته و به متون غنایی نزدیک شده، به همان میزان نیز تشبیه لطیف‌تر و نرم‌تر خواهد شد؛ بنابراین، شاعران حوزه ادب غنایی از تشبیهاتی استفاده می‌کنند که تأثیر بیشتری در لطافت کلام و عواطف و احساسات آن‌ها داشته باشد. شعر آیینی موسوی گرمارودی از تشبیهات غنایی آکنده است. چنان‌که می‌توان گفت، برجسته‌ترین عنصر غنایی در شعر شاعر هستند. اکثر این تشبیهات، حسی به حسی و بیش از هفتاد درصد آن‌ها از نوع تشبیه بلیغ یا مفصل مرسل هستند. شاعر سه تشبیه بلیغ خوشه دل زهرا، دانه عشق و کشتزار امامت را در بیت زیر آورده که واژگان غنایی «دل و عشق»، حسی غنایی آفریده است:

ز خوشه دل زهرا، نخست دانه عشق

به کشتزار امامت، فزون تر از خرمن

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

شاعر تشبیه‌های غنایی بسیاری در توصیف شخصیت قاسم بن حسین^(ع) در بیت‌های زیر آورده است؛ چنان‌که برافروختگی چهره حضرت را به ماه، نورسیدگی آن را به گل سرخ، تازگی او را به بنفشه، سن پایش را به میوه نارس، قد کوتاهش را به شمشیر ذوالفقار، حرارت صورتش را به بازتاب شعله، صورت گلگونش را سیب سرخ و چشمانش را به دو گوهر تشبیه کرده است:

آن چهر برفروخته ماه تمام بود

نورسته بود لیک چون گل سرخ فام بود

همچون بنفشه طبری ترد و تازه بود

چون میوه‌های نورس ناچیده خام بود

قدش کمی ز قامت شمشیر بیشتر

گویی چو ذوالفقار علی در نیام بود

گرما اگرچه شعله‌کش اما به روی او

چون بازتاب شعله به روی رخام بود

چون سیب افتاده ز شاخ درون آب

غرق عرق دوگونه آن گل مدام بود

چشمان او دو گوهر تابان و بی‌قرار

در جست و جوی رخصت جنگ از امام بود

(همان: ۱۹۸ و ۱۹۹)

شاعر بار دیگر، تشبیه‌های غنایی پی‌درپی را در توصیف شخصیت حضرت علی‌اصغر^(ع) آورده است. چنان‌که علاوه بر غنایی بودن اکثر مشبه‌به‌ها در این تشبیهات، حذف مشبه به قرینه لفظی است؛ به‌گونه‌ای که شاعر یک‌بار مشبه (حضرت علی‌اصغر^(ع)) را ذکر کرده و سپس چندین مشبه‌به را پی‌درپی آورده است:

چون موج روی دست پدر پیچ و تاب داشت

وز نازکی تنی به صفای حباب داشت

چون سوره‌های کوچک قرآن ظریف بود

هرچند او فضیلت ام‌الکتاب داشت

چون ساقه‌های تازه ریواس ترد بود

از تشنگی اگرچه بسی التهاب داشت

از بس که زلالی خود محو گشته بود

گویی خیال بود و تنی از سراب داشت

(همان: ۱۹۷)

۲-۳-۳. استعاره‌های غنایی

استعاره از صنایع بلاغی مهم در متون ادبی است که نوع و کارکرد آن، سبک شخصی شاعر را تعیین می‌کند و در برجستگی نوع ادبی بسیار اهمیت دارد. ادب غنایی مهم‌ترین جلوه‌گاه استعاره در ادب فارسی است؛ بنابراین این شاخص در متون آیینی نیز بازتاب گسترده‌ای دارد. موسوی گرمارودی این قاعده را رعایت کرده و در شعر آیینی از استعاره‌های غنایی و لطیف بهره برده است. شاید بتوان برجسته‌ترین مؤلفه صوری شعر آیینی گرمارودی را استعاره، به‌ویژه استعاره‌های طبیعت مانند انواع گل، بهار، خورشید، چشمه و... دانست. شاعر، گل و انواع آن را استعاره از معصومین^(ع) دانسته و در توصیف اکثر آن‌ها به‌کار برده و استعاره‌هایی

غنایی و لطیفی خلق کرده است:

- سمن باغ خداوندگار استعاره از حضرت محمد (ص):

ای سمن باغ خداوندگار

سرو غلام قد ناژوی توست

(همان: ۱۰۰)

- گل استعاره از حضرت علی اصغر(ع):

خونش پدر به جانب افلاک می‌فشاند

گویی به هدیه‌دادن آن گل شتاب داشت

(همان: ۱۹۸)

- غنچه استعاره از حضرت امام زمان (عج):

همراه بوسه‌های زر آفتاب صبح

در بوستان سامره این غنچه بشکفید

(همان: ۲۸۷)

- غنچه، نوگل، منبع شرافت و چشمه صفا استعاره از حضرت معصومه (س):

ای غنچه طهارت و ای نوگل هدا

ای منبع شرافت و ای خورشید صفا

(همان: ۲۵۳)

خورشید همراه با واژگان غنایی دیگری چون گل، شرم، چشمه و... در بسیاری از بیت‌ها به صورت استعاره‌هایی در وصف معصومین، به ویژه امام حسین(ع) به کار

رفته است که بسامد بالایی دارد:

- گل خورشید استعاره از حضرت محمد (ص):

کجایی، ای نگار آسمانی
گل خورشید عشق جاودانی

(همان: ۹۸)

- خورشید استعاره از امام سجاده (ع):

آن روز خور به خیمه رخ خود نهفته بود
خورشید دیگری به دل خیمه خفته بود

(همان: ۲۰۴)

- چشمه خورشید و قمر استعاره از امام حسین (ع):

دیروزه به چشمه خورشید بسته بود
امشب چگونه روی به سوی قمر کند؟

(همان: ۱۹۳)

- فلق عصمت و خورشید شرم استعاره از حضرت زینب (س):

ای فلق عصمت و خورشید شرم
ای دل خورشید ز روی تو گرم

(همان: ۲۲۵)

• خور استعاره از امام موسی کاظم^(ع):

این سپه از پیش // وز پی آن هودجی بر پشت یک استر // وندر آن همگون خورشید
پگاهان، یک خور دیگر // در غل و زنجیر (همان: ۲۵۲)

• آفتاب استعاره از امام رضا^(ع):

اگر فاصله خویشتن تا تور // تنها بتوانیم دید // ای آفتاب // ما به سوی ذره مانده ایم!
(همان: ۲۵۷)

• خورشید استعاره از امام جواد^(ع):

در کنار تخت مأمون جایگاه برترین دانشور دینی // در دگر سو جای آن خورشید
کوچک، جای آن کودک (همان: ۲۶۹)

۲-۳-۴. کنایه‌های غنایی

کنایه‌ها مانند دیگر عناصر بیانی متناسب با فضای شعر تغییر می‌کنند. چنان‌که شعر غنایی کنایه‌های نرم و لطیفی دارد و شعر آیینی گرمارودی هم از این قاعده پیروی می‌کند. اگرچه حجم کنایه‌های شعر آیینی وی در مقابل استعاره و تشبیه ناچیز است. شاعر لب‌ترکردن را در بیت زیر کنایه‌ای برای نوشیدن بسیار اندک آورده است:

گویی ز خمّ مهر تو لب تر نکرده ایم

این باده را نخورده و باور نکرده ایم

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

گرمارودی به دلیل محتوای اشعارش که بیشتر درباره شهادت و مرگ بوده، کنایه‌هایی نیز در این زمینه به کار برده است. چنان‌که «قالب تهی کردن» را کنایه از

مردن و نیز «آهسته می‌میرد» را کنایه از غروب آورده است:

اما // چون از این آمیخته خون و اشک // جامی به هر سیاه‌مست دهند // قالب تهی
خواهد کرد (همان: ۱۲۳)

و خورشید از پس یک روز تب // در بستر غرب افق، آهسته می‌میرد ... (همان: ۸۹)

شاعر در بند «کلاه از سر کودک عقل می‌افتد»، علاوه بر تشبیه «کودک عقل»، کلاه از سر کسی یا چیزی افتادن را کنایه از اوج شگفتی و تعجب آن شخص آورده است:
چندان تناوری و بلندی // که به هنگام تماشا // کلاه از سر کودک عقل می‌افتد
(همان: ۱۷۱)

۲-۳-۵. القای عاطفه غنایی با واج‌آرایی «الف» و «شین»

واج‌های «الف» و «ش» از واج‌های پربسامد غنایی بوده و واج «الف» القای حس اندوه، آه و گاهی فریاد است و موسیقی شعر را برای تولید معنا و مفهوم تقویت می‌کند. همچنین واج «ش» از واج‌های سایشی بوده که بیشتر بیان شور و شغف و شادی یا خشم و برآشفتن است (پارساپور، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۷۲). این ویژگی در شعر آیینی موسوی گرمارودی بسامد بالایی دارد. چنان‌که تکرار واج «الف» بیشتر القای حس غم و اندوه است. برای نمونه، شاعر در بیت زیر، با آوردن واژگان الف‌دار پی‌درپی در توصیف حضرت فاطمه^(س)، حس عظمت و بزرگی نسبت به آن حضرت و غم و اندوه نسبت به قدرناشناسی مردمان آن روزگار را نشان داده است:

چو موج از سفر ماهتاب می‌آید

از آب و آینه و آفتاب می‌آید

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

گرمارودی در شعر «ساقی حق»، لحظه رسیدن حضرت عباس^(ع) به آب فرات و آب ننوشیدن او را با واج‌آرایی «الف» توصیف کرده و تصویری همراه با حس غم و اندوه خلق کرده است:

آبی ز فرات تالاب آورد

آه از دل آتشین برآورد

(همان: ۲۱۲)

واج‌آرایی با واج «ش» از واج‌های مطرح در ادب غنایی و پرتکرار در شعر آیینی گرمارودی است. اگرچه نسبت به واج «الف» بسامد کمتری دارد؛ اما هم القاکنده حس غم و اندوه است و هم بیان حس شادی و شعف. برای نمونه شاعر در بیت زیر، حس غم و اندوه مصائبی را که در دشت کربلا بر حضرت زینب^(س) گذشته، با واج‌آرایی «ش» نشان داده است:

یک دشت شقایق بهشتی

بر سینه ز داغ و درد کشتی

(همان: ۲۲۷)

همچنین در شعر «بهاری در خزان» که در توصیف تولد امام حسن عسکری^(ع) سروده، حس شور و شادی را نیز با این واج به تصویر کشیده است:

بنوش و بنوشان و منشین خموش

چنان مست شو تا برندت به دوش

(همان: ۲۸۱)

۲-۳-۶. واژه‌ها و ترکیبات غنایی

حجم بالای واژگان، ترکیب‌ها و تعبیرهای غنایی در شعر آیینی از لازمه‌های بیان حس غم و اندوه است که هم در شعر مدحی و غمگین موسوی گرمارودی و هم در شعر مولودی و شاد وی برجستگی دارد. نمونه‌هایی که پیش‌تر آمد، مؤید این موضوع است. شاعر واژگان و تعبیرهای غنایی زیبا و لطیفی را که در سپاس و ستایش خداوند سروده، کنار هم آورده است (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۶۵ و ۶۶). در جای دیگر بعثت پیامبر اسلام (ص) را با واژگان و تعبیرهای عاشقانه و لطیف توصیف کرده است:

نخستین حرف دل، در دفتر عشق

امام عاشقان، پیغمبر عشق

چو عشق از خم نوشانوش می‌داد

خدا ساقی شد و جامی به وی داد

(همان: ۹۷)

۲-۳-۷. رویکرد غنایی با جمله‌های پرسشی بلاغی

پرسش معمولاً در ادب غنایی زیاد است؛ پرسش‌هایی که نیازی به جواب ندارند و از طرف شخص مقابل باشد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۱). این خصیصه در شعر آیینی موسوی گرمارودی بسامد بسیار بالایی دارد و از ویژگی‌های غنایی برجسته شعر وی است. شاعر بارها سؤالات بدون پاسخی در اشعار خود مطرح کرده که معمولاً جنبه بلاغی دارند و پاسخ آن‌ها روشن است. مانند پرسش بدون پاسخی که در مناجات با خدا مطرح کرده است:

گفتی مرا: بیا و ز بیراهه بازگرد

اینک منم که آمده‌ام، خانه‌ات کجاست؟

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۷۶)

و در جایی دیگر پرسش‌های پی‌درپی بدون پاسخ درباره زندگی حضرت علی^(ع) مطرح کرده که جنبه بلاغی دارند و استفهام تأکیدی یا تقریری است:

همو مگر به دل خانه برهه‌ای ننشست

به گردنش ز کف سفلگان فتاده رسن؟

نه آن به امر خدا بود و این به خاطر حق؟

وگرنه چون ز علی دست می‌توان بستن؟

(همان: ۱۶۱)

گرمارودی چند پرسش بدون پاسخ درباره حضرت علی^(ع) در بیت‌های زیر آورده که جنبه بلاغی دارند و برای انکار و بیان تعجب و شگفتی نقل شده‌اند:

راستی، آیا علی از جنس ماست؟

در شگفتم عمق این دریا کجاست

چون ز وی باید سخن آغاز کرد؟

چون توان این راز حق را باز کرد؟

(همان: ۱۲۸)

۲-۳-۸. رویکرد غنایی با جمله‌های اظهاری و تعجیبی بلاغی

گزینش نوع جملات بر محتوای شعر اثرگذار است. چنان‌که «شعر غنایی با جمله‌های اظهاری و تعجیبی ... وابستگی دارد» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۹۴). شعر آیینی گرمارودی هم از این قاعده مستثنی نیست و شاعر شگفتی خود را در مواضع گوناگون با آوردن جملات اظهاری و تعجیبی از رخداد یا موضوعی نشان داده است. شاعر تعجب و تأسف خود را از شرایطی که روزگار برای حضرت علی^(ع) فراهم کرده بود، در جمله‌ای تعجیبی بیان کرده است:

سیه بادا ستم را روی ناپاک!

زمان را، روزگاران را به سر خاک

زمان، خاکت به سر بادا شب و روز!

تو بودی و علی را دل پر از سوز

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

گرمارودی در شعری دیگر با آوردن جمله‌های اظهاری و تعجبی از اینکه حضرت علی^(ع) با آن عظمت و بزرگی در کنار تنور پیرزن یا با کودکان یتیم در کوچه‌های کوفه حضور داشته، اظهار شگفتی کرده است:

چگونه این چنین که بلند بر ز بر ماسوا ایستاده‌ای // در کنار تنور پیرزنی جای می‌گیری // و زیر مهمیز کودکانه بچگکان یتیم // و در بازار تنگ کوفه ... ؟ (همان: ۱۲۲)

۳. نتیجه‌گیری

غلبه عاطفه و احساس مهم‌ترین عنصر غنایی شعر آیینی موسوی گرمارودی است که عمیق‌ترین و لطیف‌ترین احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد. بسیاری از شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی در شعر آیینی موسوی گرمارودی آمده است. چنان‌که در بُعد محتوایی، حس غم به دلیل پرداختن به مصائب معصومین^(ع) بر شوق و شادی غلبه دارد و فضایی غمگنانه بر شعر آیینی وی سیطره پیدا کرده است. شاعر نسبت به شرایطی که برای معصومین به وجود آمده، متأسف است و از آن شکوه و شکایت دارد. مناجات و مرثیه‌سرایی از مضامین مهم شعری است؛ شاعر در مناجات ضمن ستایش پروردگار، طلب آمرزش و رهایی دارد و در مرثیه‌های خود از مصائب ائمه اطهار به‌ویژه امام علی^(ع)، امام حسین^(ع) و حضرت زینب^(س) سخن گفته است. گرمارودی با وجود فضای غم‌آلود، از جشن‌های مذهبی غافل نبوده و در توصیف اعیاد و تولد

معصومین، اشعار و مولودی‌های شاد و طرب‌انگیز سروده است. وی بر توصیف تأکید دارد؛ چنان‌که توصیف طبیعت (بهار) در آغاز شعر و توصیف ویژگی‌های ظاهری و باطنی شخصیت معصومین^(۷) در میانه اشعار آمده است. بسامد بالای استعارات و تشبیهات لطیف و غنایی مهم‌ترین وجه بعد صوری شعر گرمارودی است. چنان‌که انواع گل، غنچه، بهار و... که واژگانی غنایی و لطیف هستند، طرف تشبیه واقع شده است. شاعر معمولاً مشبه (که یکی از معصومین است) را آورده و مشبه‌به‌های پی‌درپی ذکر کرده است که بیشتر واژگان و تعبیرهای غنایی هستند؛ اما کنایه‌ها اگرچه لطیف و نرم هستند، نسبت به استعاره و تشبیه بسامد کمتری دارند. در حوزه وزن عروضی هم شاعر از اوزان سنگین و جویباری بحر خفیف، رمل، مضارع و مجتث استفاده کرده و برای القای احساسات و عواطف خاص چون شادی و غم از مصوت‌های بلند «آ» و صامت «ش» بهره گرفته است. هم‌چنین استفاده از جمله‌های پرسشی، اظهاری و تعجیبی با اغراض بلاغی خاص برای افاده معنای مورد نظر، شاخصه دیگری بوده که در اشعار او نمود یافته است.

منابع

۱. اکرمی، میرجلیل و محمد خاکپور (۱۳۹۰). «نقد و بررسی شعر نو آیینی پیش از انقلاب اسلامی». گوهر گویا. س ۵. ش ۳. صص ۳۳-۵۶.
۲. بیات کوهسار، مهدی و فرهاد باطنی (۱۳۹۵). «مضامین حبسیه در اشعار سید علی موسوی گرمارودی». مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه. دوره ۲. ش ۳/۱. صص ۱۱۰-۱۲۱.
۳. بهمنی مطلق، حجت‌الله و یدالله بهمنی مطلق (۱۳۹۱). «نگاهی به قصیده‌پردازی علی موسوی گرمارودی». بهار ادب. س ۵. ش ۲. صص ۷۴-۵۵.
۴. بروستر، اسکات (۱۳۹۵). شعر غنایی. ترجمه رحیم کوشش. تهران: سبزان.
۵. پارساپور، زهرا (۱۳۸۳). مقایسه زبان حماسی و غنایی. تهران: دانشگاه تهران.
۶. پروین‌زاده، شهلا. (۱۳۸۱). «کتاب‌شناسی سید علی موسوی گرمارودی». کیهان فرهنگی. ش ۱۹۳. صص ۲۰-۲۴.
۷. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). «انواع ادبی در شعر فارسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم. س ۱. ش ۳. صص ۷-۲۲.
۸. حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۹۰). «سخنی پیرامون ادبیات تعلیمی و غنایی». تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ش ۸. صص ۱۵-۲۴.
۹. حیدری، فاطمه و آرش مشفق (۱۳۹۰). «باستان‌گرایی در اشعار علی موسوی گرمارودی». کتاب ماه ادبیات. ش ۱۶۵. صص ۲۷-۳۱.
۱۰. دهرامی، مهدی و علی‌اکبر کمالی‌نهاد (۱۳۹۴). «احساس شاعرانه و شیوه‌ها و

موانع انتقال آن در شعر انقلاب (مطالعه موردی: سوگ سروده‌های اجتماعی موسوی گرمارودی)، مجله ادبیات انقلاب اسلامی. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی. دوره اول. ش ۲. صص ۹۵-۱۱۷.

۱۱. رزمجو، حسین (۱۳۷۰). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. تهران: آستان قدس رضوی.

۱۲. رزمجویی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). «تحلیل و بررسی اشعار عاشورایی سید علی موسوی گرمارودی». فلسفه و کلام. ش ۶۷ و ۶۸. صص ۲۱۱-۲۲۸.

۱۳. رشیدی‌گمین، کریم؛ پوران یوسفی پور کرمانی و هوشمند اسفندیارپور (۱۳۹۹). «ادب غنایی در اشعار شیخ کاظم سعیدی». مطالعات زبان و ادبیات غنایی. س ۱۰. ش ۳۶. صص ۳۱-۴۲.

۱۴. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۸). آیین‌ها و جشن‌های کهن ایران امروز (نگرش و پژوهش مردم‌شناختی). تهران: آگاه.

۱۵. سلیمانی‌نژاد مهرآبادی، ساغر و عبدالرضا سیف (۱۳۹۵). «بررسی اسطوره و انواع آن در شعر معاصر (با نگاهی به شعر موسوی گرمارودی)». پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت. س ۵. ش ۱. صص ۱۹-۳۸.

۱۶. سنگری، محمدرضا (۱۳۹۵). از نتایج سحر. تهران: سوره مهر.

۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». خرد و کوشش. ش ۱۱ و ۱۲. صص ۹۶-۱۱۹.

۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). انواع ادبی. تهران: میترا.

۱۹. صورتگر، لطفعلی (۱۳۴۷). ادبیات توصیفی ایران. تهران: اکونومیست.

۲۰. عباسی، جعفر؛ مرادعلی واعظی و ابراهیم محمدی (۱۳۹۹). «نمود ایدئولوژی در لایه‌های بلاغی و زبانی شعر آیینی معاصر در سه دهه اخیر». فنون ادبی. س ۱۲. ش ۴. صص ۱۵۳-۱۷۴.
۲۱. فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیرکبیر.
۲۲. کمالی‌نهاد، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «فضاسازی شاعرانه در دو مجموعه شعر موسوی گرمارودی (تا محراب آن دو ابرو و برآشفتن گیسوی تاک)». نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان. ش ۱۸. صص ۸۹-۱۰۰.
۲۳. کمالی‌نهاد، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، محسن و جلیل مشیدی (۱۳۹۳). «تحلیل اخوانیات موسوی گرمارودی و فضاسازی شعری ایجادشده با آن‌ها». بهار ادب. س ۷. ش ۱. صص ۱۶۷-۱۸۲.
۲۴. مشتاق‌مهر، رحمان و سردار بافکر (۱۳۹۵). «شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی». پژوهشنامه ادب غنایی. ش ۲۶. صص ۱۸۳-۲۰۲.
۲۵. مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۹۴). شعر و ادب فارسی. تهران: زرین.
۲۶. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۸). گوشواره عرش، مجموعه کامل اشعار آیینی. تهران: سوره مهر.